

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نشریه پیشرو، شماره ۵۴

۲۱ جولای ۲۰۱۸

## آیا انتخابات «پارلمانی» پیش رو مضحکتر از قبل برگزار خواهد شد؟

در کشورهای مستعمره با مداخلات بیرونی، «انتخابات» نه تنها مشروعیت و اعتبار خود را از دست می دهد، بلکه «انتخابات» در همچو کشورها وسیله‌ای برای تحقق اهداف کشورهای اشغالگر و تلاش برای «مشروعیت» نظام های پوشالی خواهد بود.

افغانستان یکی از کشورهاییست که انتخابات های مختلفی را در حاکمیت های گذشته و در شرایط متفاوت پشت سر گذاشته که ارزیابی، تحلیل و تجزیه آنها در اینجا مقدر نیست، اما پس از سناریوی یازدهم سپتمبر سال ۲۰۰۱ و لشکرکشی امریکا و همپیمانانش به بهانه «جنگ علیه تروریسم» به افغانستان، «انتخابات»ها رنگ و بوی دیگری داشته و مشارکت مردم هم در همچو «انتخابات»ها کار ساز نبوده، بلکه غربی ها از قبل مهره‌های مورد نظر را در «انتخابات» پارلمانی و مهره مورد نظر را در «انتخابات» ریاست جمهوری مشخص ساخته اند. هرچند غربی ها با مصرف پول های کلان همواره تلاش نموده تا تصویری شفاف و دموکراتیک از «انتخابات» به نمایش بگذارند، اما هر «انتخابات» انجام شده یکی پی دیگری بدنامتر و مضحکتر از قبل به رسوائی کشیده شده، لذا «انتخابات» در این کشور نزد مردم به مضحکه مبدل گردیده است.

در اولین «انتخابات» ریاست جمهوری که در سال ۱۳۸۳ برگزار شد، عده ای تصور می کردند که مردم در تعیین رئیس جمهور شان نقش اساسی دارند و می توانند فرد مورد نظر را انتخاب کنند، بناءً با خوشبینی که داشتند با حضور نسبتاً پر رنگ در این «انتخابات» شرکت کردند، حتی بسیاری از سازمان ها و احزاب «چپ» نیز با ذوق زدگی در حمایت از کاندیداهای مورد نظر اعلامیه داده و نه تنها خود در «انتخابات» شرکت کردند، بلکه توده ها را نیز تشویق به شرکت در «انتخابات» نمودند، اما در این «انتخابات»ها توده ها هر چیزی را شاهد بودند جز شفافیت، عدالت و دموکراسی؛ هیچ معیاری برای کاندیداتوری افراد وجود نداشت؛ جنایتکاران، ناقضان حقوق بشر و افراد بی سواد برای رسیدن به ارگ تلاش کردند؛ چنان که در «انتخابات ریاست جمهوری» سال ۱۳۸۳ در حدود ۲۳ تن خودشان را نامزد کردند که در ختم «انتخابات» مهره مورد نظر غربی‌ها «حامد کرزی»، برنده انتخابات اعلان گردید. به همین ترتیب نخستین «انتخابات» پارلمانی همزمان با «انتخابات شورای ولایتی» در ۲۷ سنبله سال ۱۳۸۴ برگزار گردید که ۲۴۹ تن به «ولسی جرگه» و ۱۰۲ تن به «مشرانو جرگه» راه یافتند که اکثریت اعضای «پارلمان» را رهبران و قومندانان تنظیم های جنایتکار جهادی، زورمندان و افراد بدنام تشکیل می دادند.

«انتخابات» های بعدی ریاست جمهوری که در سال های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۳ برگزار شدند، به مراتب مضحک تر و بدنام تر از «انتخابات» اول ریاست جمهوری بودند، از آنجمله «انتخابات» ریاست جمهوری سال ۱۳۹۳ عنوان بد نام ترین و ناکام ترین انتخابات تاریخ سیاسی جهان را کمائی کرد. نتیجه این «انتخابات» جنجال برانگیز و پُر از تقلب، سر انجام با دخالت مستقیم امریکا و فرستادن وزیر خارجه اش مشخص شد که حاصل آن تشکیل حکومت ائتلافی تحت نام «وحدت ملی» بود که امروز توده ها نام های مختلفی از جمله «حکومت جان کری»، «حکومت وحشت ملی»، «حکومت دو سره ع و غ» و غیره را بر آن نهاده اند.

دوره کاری آخرین «انتخابات پارلمان» که در سال ۱۳۸۹ برگزار گردید و در آن یکتعداد از منفورترین چهره های چهار دهه اخیر راه یافتند، در جوزای ۱۳۹۴ به پایان رسید، اما بنابر دلایل مختلف بیش از سه سال از دوره کاری اعضای آن گذشته و در این مدت تا توانستند ثروت اندوزی و قلدری کردند و کماکان به بهانه های مختلف حاضر نیستند چوکی های «پیر در آمد» پارلمان را از دست بدهند. به هر حال قرار است کمیسیون نامستقل «انتخابات» در میزان سال ۱۳۹۷ بار دیگر «انتخابات پارلمانی» را راه اندازی نماید و از چند ماه به اینطرف نه تنها تبلیغات گسترده برای تشویق مردم به ثبت نام در «انتخابات» بالا گرفته، بلکه بازار کاندیداتوری نیز گرم گردیده است.

در کشورهایی نظیر افغانستان که معیار ها برای نامزدی به «پارلمان» به شکل بسیار مسخره آن پائین است، هرکس می تواند با جمع آوری کاپی ۱۰۰۰ تذکره خود را به «پارلمان» نامزد نماید، به همین دلیل است که در لس کاندیداها می توان نام های جنایتکاران جنگی، مافیا و افراد بی سواد را به وفور مشاهده کرد، حتی نام کسانی را که در جنایت و بربریت و قتل و کشتار افغان ها زبانزد عام و خاص گردیده، مثل زرداد!

حکومت «وحدت ملی» با اعلام «انتخابات پارلمانی» در آخر ماه میزان سال روان، با آن که تبلیغات گسترده رسانه ای را به راه انداخته، اما به مقایسه ۱۳ میلیون افراد واجد شرایط رأی دهی، تعداد ثبت نام کنندگان در مراکز «انتخاباتی» بسیار ناچیز می باشد و در بسیاری از نقاط کشور اصلاً ثبت نامی صورت نگرفته است. جالب است که محمد محقق یکی از شرکای حکومت «وحدت ملی»، در اعلامیه ۸ سرطان خود نوشته است: «حدود هفتاد درصد از جغرافیای کشور در دست مخالفین مسلح دولت است و این مسأله علاوه بر مشکل ساختن برگزاری انتخابات، سراسری بودن آن را نیز زیر سؤال می برد.»، چنین ادعائی آن هم از سوی یکی از کلیدی ترین افراد حکومت «وحدت ملی» مبنی بر این که «هفتاد درصد جغرافیای کشور در دست مخالفین مسلح دولت است»، بیانگر آن است که اصلاً نظام سیاسی ساخته شده توسط امریکا و حاکم در کشور از مشروعیت قانونی نیز برخوردار نمی باشد که «انتخابات» نمایشی را برگزار نماید. علاوه بر آن معلوم نیست که از میان ۸ میلیون ثبت نام کننده چه تعداد آن واقعی یا جعلی اند، زیرا علاوه بر این که تذکره های جعلی به شکل وسیع به بازار عرضه گردیده و نصب سئیکر در کاپی تذکره ها نیز صورت گرفته، فلذا به یقین می توان گفت که میزان تقلب بسیار بالا خواهد بود. اخیراً قصاب کابل «گلبدین حکمتیار» در کنفرانس مطبوعاتی اعلان کرد که از ۸ میلیون ثبت نام کننده، ۵ میلیون آن تقلبی و جعلی اند که این خود گوشه دیگری از افتضاح «انتخابات» پیش رو را به نمایش می گذارد.

موضوع اساسی مسأله تقلب و عدم تقلب «انتخابات» پیش رو و یا نگرانی مردم از عدم شفافیت در برگزاری انتخابات نیست، بلکه بی باوری مردم به «پارلمان» و اعضای آن و همچنان عملکرد ناکام این نهاد طی سیزده سال گذشته می باشد که سبب شده تا مردم علاقه کمی به شرکت در «انتخابات» پیش رو داشته باشند.

توده های ما طی این سال ها شاهد بودند که اکثریت اعضای «پارلمان» جز منافع فردی و خانوادگی به هیچ درد و مشکل مردم نه تنها فکر نکردند، بلکه خود این وکلا به مردم غم و درد فراوان دادند، به زندگی خود و اعضای فامیل

شان رسیدند؛ با مافیای مواد مخدر، مواد نفتی، قاچاقبران انسان، قاچاقبران سنگ های قیمتی و آثار باستانی شریک شدند؛ به غصب ملکیت های عامه پرداختند و قصرهای افسانه نی ساختند؛ برای فرزندان شان زمینه تحصیل و بود و باش را در خارج فراهم کردند؛ در گماشتن و تقرری ها کمیشن کاری کردند و به بانک های خارجی پول های بیشمار انتقال دادند؛ هرکدام صاحب چندین واسطه زرهی و ده ها محافظ مسلح شدند؛ قوانین «خود بخشی» تصویب کردند و امتیازات دایمی اخذ نمودند؛ تعدادی از این نمایندگان با غیبت دایمی و سفرهای خارجی مصروف خوشگذرانی در کاباره ها بودند و در واقع «پارلمان» را محلی برای داد و ستد و تجارت مبدل کردند.

مردم همواره شاهد درگیری های لفظی و فزیکتی اعضای «پارلمان» از طریق رسانه ها هستند که این درگیری ها عمدتاً به خاطر شهرت طلبی و تثبیت موقعیت های فردی در میان اقوام و ملیت های شان و همچنان به هدف راه یابی مجدد به «پارلمان» بعدی بوده که با دامن زدن به این اختلافات و گرم نگهداشتن تنور تضاد های قومی، سمتی و زبانی می خواهند به اهداف خود نائل آیند. بسیاری از اعضای بر حال «پارلمان» در تمام مدت کاری خود حتی یک بار هم به مناطقی که از آنجا رأی گرفتند، سفر نکردند و حتی یکبار هم سخنی از مشکلات آنها را در تالار «پارلمان» و یا رسانه ها به زبان نیاوردند، زیرا مشکلات، درد و رنج مردم ذره ای برای آنها اهمیت نداشته و مردم را جز پلی برای رسیدن به چوکی «پارلمان» به چشم دیگری نمی بینند. ناگفته پیداست که جمع کثیری از کسانی که در «انتخابات» گذشته به «پارلمان» راه یافتند حتی سواد ابتدائی خواندن و نوشتن را یاد ندارند، چه رسد به طرح و تصویب قوانینی که بتوانند کوهی از مشکلات و بدبختی های توده ها را توسط آنها برطرف نمایند.

با چنین تصویری که توده ها از اعضای «پارلمان» طی ۱۳ سال گذشته به دست آورده و با بدنامی که «پارلمان» گذشته کمائی کرده، آیا مردم در «انتخابات» پیش رو به شکل گسترده شرکت می کنند؟ آیا «انتخابات پارلمانی» سال جاری مضحک تر و مسخره تر از «انتخابات» های گذشته نخواهد بود؟ آیا جز یکتعداد از کسانی که یا اغفال گردیده و یا از «انتخابات» چیزی برایشان می چکد، سایر توده ها دل خوشی از «انتخابات» دارند؟ جواب این سؤالات وقتی آشکار می گردد که از نزدیک با توده های بیچاره و درد دیده ما روبه رو شوید. آن وقت خواهید دید که نفرت و انزجار مردم از «انتخابات» و «پارلمان» تا کدام حد به اوج رسیده است.